

ایران

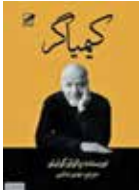
- صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی
- سرپرست موسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: احسان صالحی
- سردبیر: حسام‌الدین برومند
- دبیران: مصطفی عبوسی (سیاسی)
- مهدی مهرپور (اقتصادی)
- زرین رستمی وند (اجتماعی)
- بنفشه غلامی (جهان) • لیدا فخری (اندیشه)

- محمدرضا عزیزی (گزارش)
- زهرا کشوری (زیست‌بوم)
- فرزاد قلعه‌دار (حوادث)
- مهدی کلهرنژاد (اجرای)
- پرویز آرموده (صفحه‌آرایی)
- داریوش کمالی پورآزاد (ویراستاری)
- ابوالفضل نسایی (عکس)

- تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پیامک: ۳۰۰۴۵۱۳۱۳ روابط عمومی • نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰
- چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌چم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
- انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵



«ایران» رادر صفحه‌های مجازی دنبال کنید



کمیابکی که از روی چیزی را دارد سراسر جهان همدستی می‌شود تا بتوانی این اثر را از تحقق بخشی.

کمیابکر - بانولو تونلیو



امام زین‌العابدین (ع):
 دعای مؤمن خالی از یکی از این سه بهره نیست: برای آخرت او ذخیره می‌شود یا حاجتش برآورده می‌گردد یا بلایی که مقدر بوده به او برسد از او دفع خواهد شد. (تحف العقول، ص ۲۸۷)

نگاره

پاکبان



طرح: حمید صوفی

نقل قول

اولین قلب تئاتر جهان از خیابان و بیابان است

من همیشه در زندگی به خودم تزریق کرده‌ام که به زور خوش بین باشم و این حاصلش در نهایت حتی برای آدم‌های بدبین هم، خوش بین شدن مثل شعر حافظ که می‌گوید: «منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن / منم که دیده نیالوده‌ام به بد دیدن» حافظ نمی‌گوید بد نیست، در واقع می‌گوید اینقدر بدی زیاد است که من چشم‌انم را می‌بندم تا جور دیگری دنیا رو ببینم. تأثیر این ماجرا این است که چشم‌هایم را ببندم و جور دیگری دنیا را ببینم و این باعث می‌شود فکر کنم همه چیز خوب است، البته من دنیا را دیده‌ام، مثلاً تئاتر آمریکا را دیده‌ام که خیلی از آن تعریف و تمجید می‌کنند، فرقی با اینجا ندارد، مسائلی اینجا وجود دارد مثل نظارت و سانسور، اما آنجا هم یک گونه دیگر سانسور جامعه را دارند، حرف‌هایی باید زده شود که اگر نشود تویبخی می‌شوند. از سوی دیگر اندازه کار در دنیا با ایران متفاوت است، در ایران بازیگران زیادی در حال فعالیت هستند، بسیار بیشتر از بسیاری از نقاط دنیا، چون سریال‌ها و فیلم‌ها و تئاترهای بسیار زیادی در ایران ساخته می‌شود، اما بازیگر در آتریش، سوئد، آفریقا، اروپای شرقی و غیره با تنوع و کثرت کار روبه‌رو نیست و نهایتاً ۵ تا ۶ بازیگر هستند که در آثار حضور دارند، در حالی که وسعت کار در ایران خیلی زیاد است. من عاشق هنرم و تئاتر خیابانی، چون تئاتر خیابانی در جهان هم اهمیت ویژه‌ای دارد، اولین قلب تئاتر جهان از خیابان و بیابان است.



یادداشت

یادداشتی کوتاه به مناسبت اکران موفق مستند بلند «قوی دل» ساخته علی فراهانی صدر

دل قوی دار...

همان روزی که در هفدهمین جشنواره مستند حقیقت، در آن سالن تاریک، از بازتاب نور پرده جشنواره مستند ایران، سینما اشک و لبخند همزمان شان را دیدم، دانستم که علی فراهانی صدر کارش را خوب انجام داده و همین که قهقهه وآه حسرت، یکی در میان، فضای سالن را پر می‌کرد، برایم منصور بود که این فیلم پس از جشنواره هم می‌تواند مخاطب عامی که شاید پیش از این، مستند را در سینما ندیده، به دیدن خودش دعوت کند و هم اینکه دهان به دهان بچرخد و یکی به دیگری بگوید:



«ببین، مستند قوی دل رو دیدی؟! و اگر گفت نه ادامه دهم: «تا تو پرده‌س برو ببین، تو سینما به چیز دیگه‌س» حالا از ۲۸ فروردین به این طرف که اکران این فیلم در گروه «هنر و تجربه» آغاز شده، بازخوردها از سوی تماشاگران و منتقدان در فضای مجازی و هم نشریات عمومی و تخصصی نشان از این دارد که: بله، اگر مستندساز بخواهد و کارش را بلند باشد، می‌تواند یک اکران موفق داشته و مأموریت خود را به تمام معنی انجام دهد.

«قوی‌دل» با آن تکنیک خاص و منحصر به فردش، با آن طنز سیاهی که تلخ‌ترین خنده‌ها را از مخاطب می‌گرفت و نمی‌گذاشت در سیاهی محض غوطه‌ور شود و با آن کورسوی امیدگی که همیشه از ته نماها می‌تابید، برای مستندسازها یک نمونه خوب ارائه کرد که بدانند اگر سیاق سوژه را خوب بشناسند و آگاهانه انتخاب کنند و هم اینکه جسارت داشته باشند تا آن چیزی که خوب بلدند را به منصف ظهور برسانند، سربلند خواهند شد.

گذشته از اینکه سخت است که فیلم مستند بتواند تماشاگر را مجاب به رفتن به سینما کند، نیک می‌دانیم که مستندساز هم عموماً در مقایسه با داستانی‌سازها مظلوم است. از همین روست که مسئولان امر باید شرایط را برای مستندهایی که ظرفیت دیده شدن دارند فراهم کنند و به آتپایی که لیاقتش را دارند فرصت دیده شدن بدهند. این همان اتفاقی است که خوب و به‌موقع برای فیلم فراهانی صدر افتاده است.

البته «قوی دل» هم با جویزی که پیش از این اکران گرفت به خوبی نشان داد که سازوار توجه و امتیاز بقا محکم از اوست!»



مهدی کیا
مفیدی کیا
منتقد

دریچه

شخصیت‌سازی چشم‌اسفندیار فیلم‌ها و سریال‌ها

فیلمنامه اساسی‌ترین رکن آثار سینمایی و تلویزیونی و در عین حال بزرگ‌ترین معضل و نقص این آثار و در واقع چشم اسفندیار تولیدات سینمایی و تلویزیونی است. ناتوانی و نبود دانش و تخصص فیلمنامه‌نگاری و سواد اجتماعی یا وجود نواقصی در ساختار هنری دراماتیک فیلمنامه‌ها و داستان‌سازی‌های مقبول و پذیرفتنی و گاستی در پردازش درست شخصیت‌ها، متنی ضعیف را در اختیار کارگردان‌ها قرار می‌دهد که آنها هر چقدر هم در کار خود متبحر باشند، نمی‌توانند آثاری درجه یک و استاندارد و مخاطب‌پسند تولید کنند. از همین روست ضعف بنیادین فیلم‌ها و سریال‌های ما را ایرادهای فیلمنامه‌ها تشکیل می‌دهد. این مشکل حاد در شرایطی تداوم دارد که در عرصه‌های سینما و تلویزیون با هنرمندان کاربلد و استعداد فیلمنامه‌نویس روبه‌رو هستیم و همچنین میان جوانان مستعد سینماگر، افراد خوش ذوق فیلمنامه‌شناس و تحصیلکرده سینما کم نیستند که می‌شود و می‌توان با حمایت مستمر و تشویق‌های مادی و معنوی مدیران و همت خود آنها، اشکال‌ها و ضعف‌های فیلمنامه‌ها را مرتفع و فیلمنامه‌های کامل و خوش‌پرداخت و حرفه‌ای تولید کرد. «داستان» و «شخصیت» دو عنصر کلیدی فیلمنامه‌نویسی‌اند و از این دو، «شخصیت» که داستان با حضور و عملکردهای او شکل و قوام می‌یابد و چنانچه صحیح پرداخت شود و تماشاگر او را باور کرده و در فرازوفرود ماجراهای فیلمنامه همراهی کند، قلب و محور داستان فیلمنامه محسوب می‌شود. اکثر کاراکترهای فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی یا در حد تیپ و فاقد ابعاد شخصیتی‌اند یا تک‌بعدی و ناقص هستند. این قبیل کاراکترها را در تولیدات سطحی و بازاری به فراوانی می‌توان یافت. آنچه بیشتر از هر چیز در نوشتن فیلمنامه‌ها به دلیل شناخت اندک، بی‌توجهی و بازاری‌سازی، سبب ضعف در پرداخت کامل شخصیت‌ها می‌شود، غفلت از این نکات است. لازم است فیلمنامه‌نویس‌ها و هنرآفرینان سینما و تلویزیون بدانند که عناصر؛ «شخصیت»، «شخصیت‌سازی» و «شخصیت‌پردازی» ضمن ارتباط ارگانیک، هر کدام ویژگی‌هایی دارند که باید هنگام نگارش فیلمنامه مدنظر قرار گیرند. باید دانست که شخصیت دارای ابعاد گوناگون و متنوع است که مؤلف‌ها وجودی او را می‌سازد و اگر قرار است یک شخصیت باورپذیر و کامل خلق شود، باید محققانه و هنرمندانه به آنها پرداخت. هر پدیده‌ای در هستی از جمله انسان، از ظاهر و باطن و جسم و روح تشکیل شده و هر کدام هم مختصاتی دارند که ابعاد گوناگون شخصیتی آنها را می‌سازد، اما در عمده فیلم‌ها و سریال‌ها، صرفاً به بخشی از ویژگی‌ها و اغلب جنبه‌های ظاهری آنها توجه شده و بخش‌های مهم باطنی، روحی و کلنجارهای درونی شخصیت‌ها و حقیقت وجود آنها نادیده گرفته می‌شود. در اصل پرداخت درست و شخصیت‌سازی، پردازش کامل درونی و بیرونی شخصیت‌هاست. به عبارتی تمام خصوصیات قابل مشاهده و نمایش، در شخصیت‌پردازی لحاظ شده و در شخصیت‌سازی افزون بر مسائل بیرونی، جنبه‌های درونی هم مورد توجه قرار می‌گیرد و اگر این دو بخش به صورت جامع و کامل در نگارش فیلمنامه رعایت شود، آن وقت می‌شود از داشتن شخصیت واقعی در آثار سینمایی و تلویزیونی یاد و به آن استناد کرد. مسأله مهم و تعیین‌کننده، اجرائی کردن پردازش همه‌جانبه شخصیت است و اگر چشم اسفندیار فیلمنامه‌های ما صدوا او شود، در آن صورت تمام وجود اسفندیار یا همان فیلمنامه‌روشن‌تر خواهد شد. امید که هنرمندان خوب و صاحب ذوق و قلم سینما و تلویزیون، برای نگارش فیلمنامه‌ها اهمیت بیشتری قائل شده و برای نگارش آنها هنرمندانه و مسئولانه‌تر اقدام کنند.

جبار آدین
منتقد و مدرس سینما، تئاتر و تلویزیون

کاراکترهای فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی یا در حد تیپ و فاقد ابعاد شخصیتی‌اند یا تک‌بعدی و ناقص هستند.

این قبیل کاراکترها را در تولیدات سطحی و بازاری به فراوانی می‌توان یافت

عکس نوشت



روستای زیبای ساسنگ در فاصله ۲۵ کیلومتری جنوب شهرستان میبودشت در استان گلستان واقع شده است. خانه‌های سنگی در دل طبیعت جنگلی و کوهستانی به همراه آبشارهای بی‌ظنیر و فراوان باعث شده که این روستا به یکی از مقاصد اصلی گردشگری در استان گلستان تبدیل شود. شغل اصلی مردم این روستا، کشاورزی و دامپروری است. پوشش سبز جنگلی و مردمی، خونگرم و مهربان، محیطی آرام و دلنشین از دیگر ویژگی‌های روستای ساسنگ است. عکس: ایسا



امیرحسین



امیرحسین



امیرحسین



امیرحسین



امیرحسین

امیرحسین

فضای مجازی

فصل جدیدی از آقای قاضی

صفحه منتسب به برنامه تلویزیونی «آقای قاضی»، از انتشار نخستین تصویر از فصل جدید آن خبر داده است. در متن این پست آمده: «آقای قاضی: شعبه ۱۲۱، عنوان فصل جدید سریال آقای قاضی است که بزودی از شبکه دو تلویزیون پخش خواهد شد. براساس آنچه تولیدکنندگان (آقای قاضی: شعبه ۱۲۱) منتشر کرده‌اند، فصل دوم آقای قاضی با تفاوت‌هایی نسبت به فصل اول تولید شده است. از جمله این تفاوت‌ها، آشنایی بیشتر مخاطب با جنبه‌های دیگر زندگی شخصیت قاضی، با بازی بهزاد خلج است. فصل دوم سریال (آقای قاضی) به کارگردانی سجاد مهرگان و تهیه‌کنندگی سیدحسام‌الدین حسینی تولید شده و سرپرستی گروه نویسندگان را نیز سیدمحمد حسینی بر عهده داشته است.»

نوشته یامین پور درباره اعتراض جهانی به اسرائیل

وحید یامین پور، نویسنده و مجری در پست تازه خود در شبکه‌های اجتماعی یا درج تصویری از دانش‌جویان آمریکایی معترض به جنایات اسرائیل علیه مردم غزه نوشته: «آیت‌الله حائری شیرازی (ع) در پاسخ به گروهی از خبرنگاران غربی درباره آینده انقلاب اسلامی گفته: بجز هرزه‌ها هیچکس زیر پرچمتان نخواهد ماند و ما تمام پاکان جهان را، از چنگ شما بیرون می‌آوریم. ما با شما عالم را قسم می‌کنیم. پاکان عالم را از شما خواهیم گرفت و شما هرزه‌های ما را از ما خواهید گرفت؛ هرزه‌های ما برای شما و پاکان عالم برای ما. اگر در عمق اروپا و آمریکا یا حتی در درون اسرائیل، پانکی هست، بالاخره از صفوف شما خارج خواهد شد و به ما خواهد پیوست و اگر در درون خانه‌های ما پانکای وجود داشته باشد، بالاخره از بین ما خارج خواهد شد و به شما خواهد پیوست. این قرار ما با شما»

یادی از زنده‌یاد نصرالله شیرین‌آبادی

علی اکبر شکارچی، نوازنده کمانچه، آهنگساز و خواننده تازه‌ترین پست خود را به نصرالله شیرین‌آبادی اختصاص داده، در بخشی از نوشته او آمده: «ای دریغ و صد دریغ، شیرین عزیز رفت. شیرین خوش نواز و خوشی از شیرین سخن رفت. با استاد نصرالله شیرین‌آبادی در دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا دهه ۵۰ هم‌کلاس بودم. همه او را شیرین صدا می‌کردند. همیشه ظاهرش آراسته بود؛ با کت و شلوار و کراوات. شیرین، با فکر و سنجیده سخن می‌گفت؛ همین‌طور هیچ نپی‌بدون آگاهی از زیرانگشتانش نمی‌گذشت. هرگاه کاروان دشتی با قطعات پُر تکنیک صبا را با ویولن، پُر سوز و مسلط و زیبایی می‌نواخت، با خود می‌گفتم: او با موسیقی فریاد می‌زند: (الا ای برآورده چرخ بلند، چرا مرا سزایوار دو چشم بینا ندانستی.) وقتی پنجه در پنجه، دستان او را برای همراهی و عبور می‌گرفتم، از گرمای انگشتانش مهر و دوستی و عشق می‌چکید. بعد از چهار سال، به شایستگی فارغ‌التحصیل شد و دیگر او را ندیدم.» در بخش دیگری از یادداشت علی اکبر شکارچی آمده: «چگونه می‌شود هنرمندی بلند مرتبه که به قامت دماوند پُرآמיד، پُر شوق و آسمانی می‌نواخت، این‌گونه ساز و هزاران نغمه را از خود براند. پس از شنیدن خبر درگذشت او، پیوسته می‌شوم که شیرین می‌گوید: اکبرجان، من که فرده‌ام، هرچه گریه کنی من متوجه اشک‌های تو نمی‌شوم. آن موقع که در شرایط سخت و تنها زندگی می‌کردم، چرا نیامدی یا هم گریه کنیم؟»

نوشته‌ای در گرامیداشت مسعود اسکویی

سعید اسلام‌زاده روزنامه‌نگار، تازه‌ترین پست خود را به درج یادداشتی درباره مسعود اسکویی اختصاص داده، در بخشی از نوشته او آمده: «مرگ آدم‌هایی مثل مسعود اسکویی، فقط فقدان یک انسان صاحب صدا نیست، نبودن یک میراث ارزشمند است. هر هنری، هر رشته کاری، هر رسانه‌ای برای خودش آدم‌ها و اسم‌هایی دارد که بین مردم با آنها می‌بالد و قد راست می‌کند. سینما، تئاتر، نقاشی، ادبیات، رادیو و... یکسری اسم و رسم دارند که اعتبارشان را از آنها می‌گیرند. گاهی اشتباهی می‌گویند که شما اعتبارتان را از فلان هنر و رسانه گرفته‌اید، نه! این غلط محض است. این آدم‌ها هستند که به مکان و هنر و رسانه آثرو می‌دهند، وقتی اینها از دنیا می‌روند، آن هنر و رسانه یک‌دفعه خالی می‌شود و حالا صبر کن بین چه زمانی جایشان پر شود. مرزعه بلال نیست که هر سال محصول بدهد. گاهی یک نسل و دو نسل باید بگذرد تا کسی مثل «مسعود اسکویی» بیاید. آن‌هم اگر بیاید و حالا چقدر رادیو و صدا خالی شده. بی‌آنکه کسی بیاید. اصلاً هیچکسی به فکر نبوده که از این دست آدم‌ها را نگه دارد و کشف و جذب کند. یک صدا، یک انسان و یک گوینده تمام قد حرفه‌ای رفته و دیگر برنمی‌گردد. اما، مسأله ما همین اماهاست. در این سال‌ها آیا کسی «حسین آبی» شد؟ کسی، مجموعه‌ای یا نهادی تلاش کرده بود کسی را مثل «جواد مانی» تربیت کند؟ و مطمئنم که هیچکس هم مسعود اسکویی نخواهد شد چون این آدم‌ها از دل این ساختار بیرون نمی‌آیند، از دل یک میراث حکیمان‌های بیرون می‌آیند.»



مسعود اسکویی

مسعود اسکویی

مسعود اسکویی

مسعود اسکویی